

## نمایش خط فقر ایرانیان بر روی منحنی لورنس

### دکتر هوشنگ طالع

ملت ایران در درازای دو دهه‌ی گذشته بر اثر سوءمدیریت، ناآگاهی مدیران و در غالب موارد، دانش ستیزی و تخصص ستیزی دولتمردان، دچار فقر و تنگدستی شده است. به طوری که امروزه از نظر اقتصادی، در دنیایی که با سرعت به پیش می‌تازد، عددی محسوب نمی‌شود. بر پایه‌ی ارقام آخرین نماگر بانک مرکزی

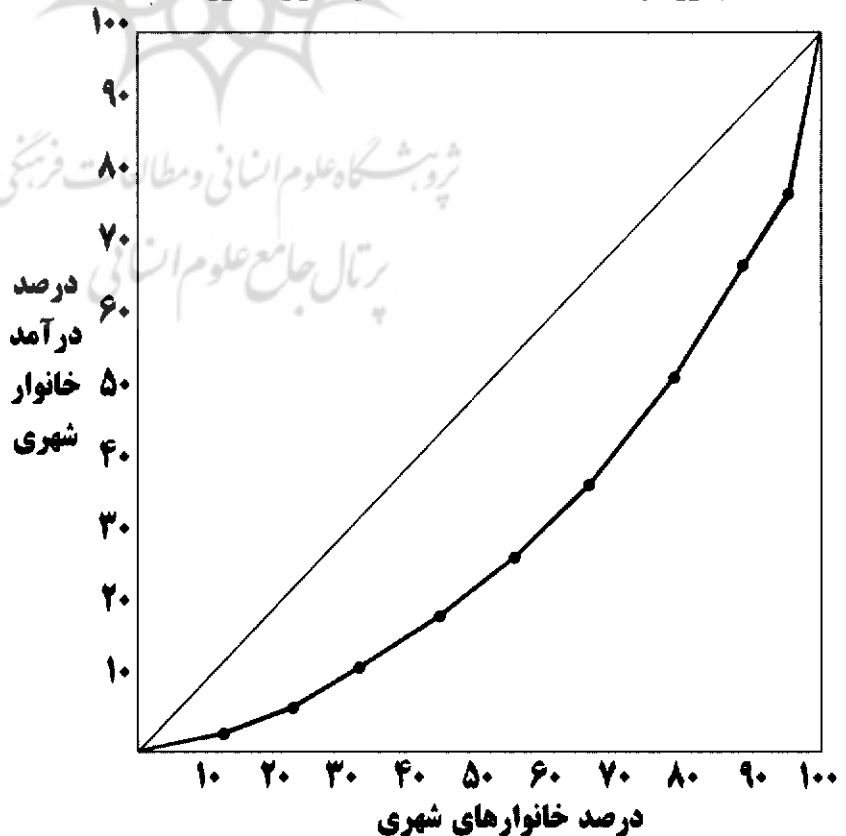
جمهوری اسلامی (شماره ۲۰- سه ماهه‌ی اول سال ۱۳۷۹)، درآمد سرانه‌ی مردم ایران، برابر با ۵۵۲۴۰۰۰ ریال و یا ۶۷۵ دلار در سال است (۱). هرگاه، درآمد مردمان اروپای غربی و آمریکای شمالی را در نظر آوریم، این رقم بسیار حقیر و حتی برای مردم ایران تحقیرآمیز است. این رقم، در مقایسه با درآمد سرانه‌ی کشورهایمانند تایلند و دیگر بیره‌های آسیا نیز بسیار ناچیز است. از یاد نبریم که در سال ۱۳۵۵ خورشیدی که درآمد

سرانه‌ی مردم ایران بیش از ۲۰۰۰ دلار در سال بود، درآمد سرانه‌ی مردم کشورهای کره جنوبی، تایلند و... از مرز ۲۰۰ دلار عبور نمی‌کرد.

از یاد نبریم که روزگاری مهری بر گذرنامه‌های مان خورده بود که مسافرت به تایلند را ممنوع می‌کرد. البته به مانند همه‌ی موارد که صاحبان قدرت خود را از ادای توضیح به مردم برمی‌دانند، هیچ اعلام رسمی در مورد علت ممنوعیت سفر به تایلند ابراز نشد، اما خبرهای غیررسمی و یاب‌گفته‌ی دیگر «شایعات»، دلیل آن را وجود فساد شدید جنسی در کشور مزبور، می‌دانست. اما، همان‌کشوری که چند سال پیش رئیس مجلس شورای اسلامی هم از آن بازدید کرد و سال‌هاست که مهر کذایی مربوط به آن در گذرنامه‌های چشم نمی‌خورد، بخشی از خوراک مردم ایران را به صورت صادرات برنج تأمین می‌کند!

اما، فقری که امروز دامن‌گیر مردم ما شده، روی «خوب» سکه است. روی «زشت» تر این سکه‌ی زشت، توزیع بسیار ناعادلانه‌ی «فقر» است. به گفته‌ی خطیب نماز جمعه‌ی تهران در چند هفته‌ی پیش، گروه‌هایی از مردم این کشور برای فروش «کلیه»‌ی خود [یا به تعبیر دیگر، برای فروش «نیمی از زندگی»]، صف بسته‌اند. این هم‌میهنان مضطر، هرگاه در این کار موفق شوند و بتوانند «نیمی از زندگی» خود را به فروش برسانند، با این پول حتی قادر نخواهند بود که فضایی کوچک‌تر از یک «متر» رادربرج‌های لوکس شمال تهران خریداری کنند! اما، سازندگان، خریداران و معامله‌گران واسطه‌های این برج‌های لوکس، امروز نه تنها به قیمت فقر اکثریت مردم ایران، غنی شده‌اند بلکه با پول‌های بادآورده‌ای

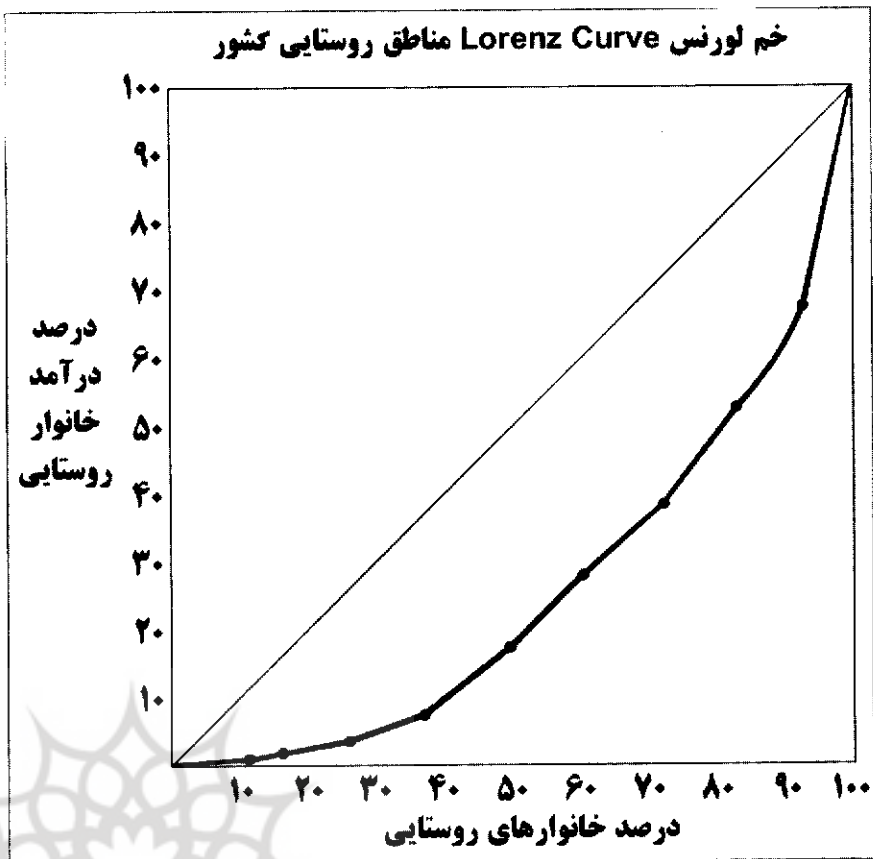
### خم لورنس Lorenz Curve مناطق شهری کشور



که مبلغ مورد اختلاس در آن زمان سر به کمابیش یک میلیارد دلار می‌زد. در حالی که اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران برای دریافت یکی، دو میلیون تومان وام مسکن، باید در بانک مربوط پس انداز کنند و ماه‌ها در انتظار رسیدن به حدنصاب سپرده صبر کنند و بعد هم در صورت موفقیت، بهره‌ی به نسبت قابل ملاحظه‌ای را بپردازند، منشی یکی از مدیران کارخانه‌های بخش عمومی، مبلغ ۱۴۵ میلیون تومان، بدون هیچ گونه تشریفات، بدون قرارداد و وثیقه و...، وام دریافت می‌کند. البته این آقای مدیر به اتهام بیش از ۲۵۰ میلیارد ریال اختلاس تحت پیگرد قرار گرفته است. هرگاه مبلغ بالا را با درآمد سرانه‌ی مردم ایران مقایسه کنیم، این مبلغ برابر با میانگین درآمد سالانه‌ی ۴۵۱۷۵ نفر است.

در حالی که فرزند یکی از مدیران ارکان کشور، دارای شرکتی است که سالانه ۷۰ میلیون دلار صادرات دارد (۲)، بر پایه‌ی ارقام «نماگرهای اقتصادی»، تعداد ۲۷۰۰۰۰۰ جوان ایرانی بیکارند. البته، هرگاه تعاریف آماری کشور را به ویژه در زمینه‌ی اشتغال که با تعاریف جهانی یکسان نیست دگرگون کنیم، این عده خیلی بیشتر خواهند بود. از یاد نبریم که گروه کثیری از جوانان این سرزمین، در رده‌ی «بیکار پنهان» قرار دارند. یعنی به کارهایی مانند دست فروشی، دوره‌گردی، فروش سکه و کارت تلفن، خرید و فروش کوبین، مسافرخشی با موتورسیکلت و... سرگرمند.

چنان که اشاره شد، روی زشت تر سکه، توزیع نامعادلانه‌ی درآمد است: اختلاف شدید میان درآمد روستاییان و شهرنشینان، اختلاف ژرف میان درآمد مردم روستاها و هم چنین اختلاف زیاد میان درآمد مردمان شهرنشین. هرگاه این اختلاف‌ها را در کنار هم قرار دهیم، آن وقت متوجه می‌شویم که چه جامعه‌ای ساخته



نظارت بانک مرکزی را مراجعه کنند، در آن صورت شرایط سخت‌تر و بهره بالاتر است. اما، از یاد نبریم که چند سال پیش گروهی، تنها از یک شعبه‌ی بانک صادرات مبلغ ۱۲۴ میلیارد تومان اختلاس کردند!

من در این جانی خواهم به جریان دادرسی و مسایل بعدی آن که همگان از آن اطلاع دارند بپردازم که گویا مجرم اصلی آن پرونده هم مانند چند مجرم دیگر، برای بستن دهان مردم به ظاهر در زندان است، در حالی که بنا به برخی شایعات آزاد است و شاید هم در کشور نباشد. سخن بر سر این است که در روزگار انجام این اختلاس، هر دلار آمریکایی برابر ۱۳۰۰ - ۱۲۰۰ ریال بود

که منشاء آنها به طور قطع از محل «حلال» نیست، امکان آن را دارند که حتی برای ادامه‌ی حیات، اعضای حیاتی دیگران را بخرند.

اکثریت مردم این سرزمین، برای ضروری‌ترین مسایل، از عقد و عروسی گرفته تا دوا و درمان و مرگ و میر و کفن و دفن، به دلیل نداشتن وثیقه قادر نیستند از سیستم بانکی وام بگیرند و ناچارند که پول نزول کنند و آن هم با بهره‌ی ۶۰ درصد در سال. البته اگر گروه یاد شده دارای وثیقه هم بودند و می‌توانستند از سیستم بانکی وام بگیرند، می‌بایست کمابیش ۲۰ درصد بابت بهره، کارمزد و هزینه‌های دیگر، بپردازند. در صورتی به یکی از مؤسسات اعتباری از زیر

جدول شماره (۱)

شرح	کل	تا	۷۵۰۰۰۱	۱۲۰۰۰۰۱	۱۸۰۰۰۰۱	۲۴۰۰۰۰۱	۳۲۰۰۰۰۱	۴۰۰۰۰۰۱	۵۰۰۰۰۰۱	۶۵۰۰۰۰۱	۹۰۰۰۰۰۱	و بیشتر
توزیع خانوارهای نمونه	۱۶۳۹۵	۷۵۰۰۰	۱۲۰۰۰۰	۱۸۰۰۰۰	۲۴۰۰۰۰	۳۲۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰	۵۰۰۰۰۰	۶۵۰۰۰۰	۹۰۰۰۰۰	۱۲۹۱	بیشتر
درصد به کل	۱۰۰	۱۰/۳	۶/۵	۹/۰	۱۰/۰	۱۳/۶	۱۱/۰	۱۰/۹	۱۰/۸	۸/۷	۹/۱	
میانگین درآمد	۴۵۶۱۳۳۸	۹۳۲۹۷	۹۸۱۶۰۲	۱۵۰۰۴۱۶	۲۱۰۵۹۲۸	۲۷۸۲۶۶۷	۳۵۸۹۷۰۲	۴۳۷۱۱۰۰	۵۶۸۲۶۰۳	۷۵۸۲۹۳۲	۱۵۲۴۳۳۲	

مأخذ: مرکز آمار ایران

## جدول شماره (۲)

درصد خانوارهای نمونه	درصد درآمد	درصد مرکب خانوارهای نمونه	درصد مرکب درآمد
۱۰/۴	۰/۲	۱۰/۴	۰/۲
۶/۵	۱/۵	۱۶/۹	۱/۷
۹/۰	۳/۱	۲۵/۹	۲/۸
۱۰/۰	۲/۸	۳۵/۹	۹/۶
۱۳/۶	۸/۷	۲۹/۵	۱۸/۳
۱۱/۰	۹/۱	۰۶/۵	۲۷/۴
۱۰/۹	۱۱/۱	۷۱/۴	۳۸/۵
۱۰/۸	۱۳/۰	۸۲/۲	۵۲/۵
۸/۷	۱۵/۲	۹۰/۹	۶۷/۷
۹/۱	۳۲/۳	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰		

مستول فروشگاه مرکز آمار ایران ملاقات کند؟ مسأله را پی گیری کردم و از این روی به ساختمان مرکز آمار ایران که در چند قدمی فروشگاه است مراجعه کردم. از نگهبان جلوی در پرسیدم، گفت: شاید رفته توالیت یا چایی بخورد. گفتم من نیم ساعت است که انتظار می کشم و اتوموبیل را هم دوبله پارک کرده ام. در همین هنگام آقای دیگری از در ساختمان خارج شد. مخاطب من به او گفت: «حاجی»، فروشگاه کجا رفته؟ وی پاسخ داد: «رفته مرخصی». گفتم، با این حساب اگر روزی رئیس جمهور برود مرخصی باید کشور تعطیل شود. نگهبان مزبور در پاسخ من گفت: «مرکز آمار که اینطور!»

با این مقدمه، سخن را با تجزیه و تحلیل درآمد خانوار (شهری و روستایی)، پی می گیریم. البته چون سخن بر سر مقایسه است، به طور قطع در سال های اخیر، اگر نسبت ها بدتر نشده باشد، بهتر نشده است.

## الف - مناطق روستایی

در سال ۱۳۷۴ خورشیدی، مجموع خانوارهای نمونه ی روستایی (که مورد بررسی قرار گرفته و نتایج به کل تعمیم داده شده است)، تعداد ۱۶۳۹۵ خانوار بوده که به ترتیب مندرج در جدول شماره یک در گروه های دهگانه ی درآمد طبقه بندی شده اند:

اما، گرچه ظاهر ارقام با توجه به توزیع خانوارهای نمونه، بسیار دهشتناک می نماید، اما با قدری ضرب و تقسیم و درصدگیری، چهره ی واقعی اختلاف درآمدها در سطوح روستایی در دهک های درآمد، آشکارتر می شود. با یک نگاه درمی یابیم که ۱/۴ درصد از جمعیت روستایی کشور، تنها ۲/۷ درصد از کل درآمد را در اختیار دارند، در حالی که ۹/۱ درصد از همان جمعیت، صاحب ۳۲/۳ درصد درآمد هستند. یعنی میانگین

سال جاری برای خرید آخرین نشریه در مورد نمونه گیری ها از هزینه درآمد خانوارهای شهری و روستایی به فروشگاه مرکز آمار واقع در خیابان دکتر قاطمی مراجعه کردم. چند ماه پیش نیز برای خرید مراجعه کرده بودم که آن بار نیز مانند این بار با درهای بسته فروشگاه، روبه رو شدم. به ساختمان پهلوی فروشگاه که مرکز اطلاعات است مراجعه کردم. آقای لطف کردند و با تلفن علت بسته بودن فروشگاه را پرسیدند. بعد از لحظاتی که به توضیح طرف مخاطب گوش می دادند با تعجب گفتند: «رفته اند مجلس»؟ بعد از پایان گفت و گوی تلفنی به من گفتند که «امروز گروهی از کارمندان مرکز آمار ایران رفته اند به دیدار رئیس مجلس!» پیش خود فکر کردم که راستی رئیس مجلس آنقدر بی کار است که باید با

شده است و چگونه در این «سرزمین فقیر شده»، گروه اندکی از درجه ی رفاه و درآمد بالاتر از میانگین اروپایی ها و آمریکایی ها، برخوردارند و اکثریت قریب به اتفاق در مراتب گوناگون «فقر». در این میان، گروه زیادی از مردم میهن ما، دارای زندگی نباتی هستند.

پیش از پی گیری بحث و تجزیه و تحلیل درآمد خانوارهای شهری و روستایی بر پایه ی نتایج تفصیلی آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی که به وسیله ی مرکز آمار ایران منتشر شده است، ناچار باید مقدمه ای را به عرض خوانندگان برسانم:

از این که در نوشتن این مقاله از آمار مربوط به سال ۱۳۷۴ استفاده می کنم، پوزش می خواهم. ساعت هشتم و نیم صبح روز دوشنبه دوم آبان ماه

## جدول شماره (۳)

شرح	کل	تا	تا	تا	تا	تا	تا	تا	تا	و بیشتر	
توزیع خانوارهای نمونه	۲۰۱۹۶	۲۳۷۸	۱۷۱۲	۲۰۲۸	۲۵۵۷	۲۳۶۸	۲۲۳۷	۲۳۹۸	۲۱۳۶	۱۲۳۲	۱۰۲۰
درصد به کل	۱۰۰	۱۲/۳	۸/۵	۱۰/۰	۱۲/۷	۱۱/۷	۱۱/۱	۱۱/۹	۱۰/۶	۶/۱	۵/۱
میانگین درآمد	۷۳۶۸	۱۴۷۱	۲۸۲۲	۳۶۱۲	۲۵۰۸	۵۲۸۶	۶۵۸۹	۸۰۶۳	۱۰۳۰۰	۱۴۳۵۸	۲۸۶۰۹

جدول شماره (۴)

درصد مرکب		درصد	
خانوار	درآمد	خانوار	درآمد
۱۲/۳	۲/۵	۱۲/۳	۲/۵
۸/۵	۳/۴	۲۰/۸	۵/۹
۱۰/۰	۵/۱	۳۰/۸	۱۱/۰
۱۲/۷	۸/۱	۳۳/۵	۱۹/۱
۱۱/۷	۹/۱	۵۵/۲	۲۸/۲
۱۱/۱	۱۰/۴	۶۶/۳	۳۸/۶
۱۱/۹	۱۳/۵	۷۸/۲	۵۲/۱
۱۰/۶	۱۵/۵	۸۸/۸	۶۷/۵
۶/۱	۱۲/۰	۹۴/۹	۷۹/۵
۵/۱	۲۰/۴	۱۰۰	۱۰۰
۱۰۰	۱۰۰		

ب - مناطق شهری

در سال ۱۳۷۴ خورشیدی، مجموع خانوارهای نمونه‌ی شهری (که مورد بررسی قرار گرفته و نتایج به کل تعمیم داده شده)، تعداد ۲۰۱۹۶ خانوار بوده است. خانوارهای مزبور به ترتیب جدول شماره ۲، در گروه‌های دهگانه‌ی درآمد طبقه‌بندی شده‌اند. با یک نگاه گذرا به جدول شماره ۲ می‌توان به اختلاف عمیق میان درآمد خانوارهایی که در دهک اول، میانی و آخر جدول قرار گرفته‌اند، پی برد. میانگین درآمد شهرنشینی که در دهک آخر قرار دارند، ۱۹ برابر بیشتر از میانگین درآمد خانوارهایی است که در دهک نخست قرار دارند. جدول شماره ۴، مسأله آشکارتر نشان می‌دهد: این جدول نشان می‌دهد که فقیرترین خانوارهای شهری که تعداد آن‌ها ۱۲/۳ درصد کل خانوارهای نمونه را تشکیل می‌دهد، تنها ۲/۵ درصد کل درآمد خانوارهای شهری را در اختیار دارند. در حالی که ۵/۱ درصد خانوارها، بیش از ۲۰ درصد درآمد (۲۰/۴) درصد بهره‌مند هستند. بدین سان، در حالی که یک درصد خانوارهای فقیر تنها ۲/۵ درصد از درآمد را در اختیار دارند، در آخر جدول، این نسبت برای خانوارهای دارا، ۴ درصد می‌باشد، یعنی اختلاف میان کم‌درآمدها و داراها بیش از ۲۰ برابر است. از سوی دیگر، ملاحظه می‌شود که ۳۲/۵ درصد از خانوارهای شهری، دارای درآمدی کم‌تر از ۵/۱ درصد مجموع خانوارهای شهری هستند. البته در اینجا نیز گفتگو بر سر میانگین‌هاست. در حالی که واقعیت‌ها غیر از میانگین‌هاست.

درآمد گروه‌های پردرآمد در سطوح روستایی، ۱۶ برابر بیشتر از میانگین درآمد گروه‌های فقیر روستایی است. برای دریافت ژرف‌تر از مسأله، به جدول زیر توجه فرمایید.

بدین سان، می‌بینیم که ۹/۱ درصد از خانوارها که از بالاترین درآمد در سطح روستاها برخوردارند، دارای سهمی بیشتر از ۶۰ درصد از خانوارهای روستایی هستند. این جدول نشان می‌دهد که ۸۲/۲ درصد از خانوارهای روستایی کشور، تنها ۵۲/۵ درصد از درآمد را در اختیار دارند. این بدان معناست که ۱۷/۸ درصد از خانوارهای مزبور، کمابیش دارای درآمدی برابر با نیمی از خانوارهای روستایی هستند. هم‌چنین، بیش از ۲۵ درصد از خانوارهای روستایی کشور، تنها ۸/۴ درصد از مجموع درآمدهای روستایی را در اختیار دارند.

برای نمایش نابرابری در توزیع درآمد، از خم (منحنی) لورنس (Lorenz Curve) استفاده می‌شود. برای کشیدن این خم، درصد درآمد بر روی محور عمودی و درصد جمعیت (در این مورد خانوارها) بر روی محور افقی نمایش داده می‌شوند. خط‌نیمساز محور افقی و عمودی، نمایانگر عدالت آرمانی در توزیع درآمدهاست. فضایی که میان نیمساز و خم لورنس به وجود می‌آید، نشان‌دهنده‌ی نابرابری در توزیع درآمدهاست. هرچه این فضا بزرگ‌تر باشد، نابرابری اقتصادی بیش‌تر است. (منحنی اشاره‌شده، در متن همین نوشتار کلیشه شده است.)

پانوشت:

- ۱- هر دلار آمریکا برابر با ۸۲۰۰ ریال محاسبه شده است.
- ۲- مجله گزارش - شماره ۱۱۵

**مناورزی باید در جریان مسایل سیاسی روز قرار گیرد**

مجله اقتصادی، گزارش پرخواننده‌ترین مجله سیاسی اقتصادی

اطلاعات و مطالب روز ایران و جهان را در اختیار شما قرار می‌دهد

تلفن: ۸۸۳۳۹۹۳ نمابر: ۸۸۳۲۳۶۱

[WWW.GOZARESH.COM](http://WWW.GOZARESH.COM)

[E.mail:GOZARESH@GOZARESH.COM](mailto:E.mail:GOZARESH@GOZARESH.COM)